

گزارش

در نخستین همایش سده قانون اساسی در افغانستان مطرح شد

نادیده گرفتن حقوق شهروندان

در ۱۰۰ سال قانون نویسی

وچیده کریملی: نخستین همایش سده قانون اساسی در افغانستان به مناسبت صدمین سالگرد قانون اساسی در افغانستان در محل پژوهشکده مطالعات خاورمیانه برگزار شد. میزبان‌های این نشست انجمن علمی مطالعات افغانستان در دانشگاه علامه طباطبائی، انجمن علمی مطالعات صلح ایران، انجمن علوم سیاسی ایران، بنیاد مسعود و مؤسسه تحقیقات صلح و توسعه کابل بودند.

در ابتدای این نشست علمی، احمد ولی مسعود، سیاست‌مدار و دیپلمات پیشین افغانستان که در حال حاضر رئیس عمومی «بنیاد شهید مسعود» است، در سخنرانی‌ای که به صورت آنلاین برگزار شد، ضمن قدردانی از برگزارکنندگان این همایش گفت: جای بسی مسرت است که با وجود تنگنای‌های خفقان‌آور در کشور ما، در کشور برادر و هم‌ریشه ما ایران، دانشمندان افغانستانی و ایرانی به قانون اساسی که از نیازهای بس حیاتی جامعه ما برای تبیین موازنه حقوق و تکالیف شهروندان افغانستان و همچنان رهنمودهای برای روند ثبات و توسعه است، پرداخته می‌شود و چشم‌اندازهای امیدوارکننده را ترسیم می‌کنند. در افغانستان اولین قانون اساسی به نام «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان» در ۷۳ ماده، در سال ۱۳۰۱ ش، به تصویب رسید و آخرین قانون اساسی هم قانون اساسی دوران جمهوریت بود که در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده است.

اینک یک سده از فرایند مکتوب‌شدن حقوق اساسی شهروندان در قوانین اساسی افغانستان می‌گذرد. فرایندی که پر از فرازوفرودهای فراوان بوده است. از یک سو مشکل نحوه ورود این حقوق به قوانین کشور ما و از جانب دیگر، جدایی میان تئوری و تطبیق قانون بوده است. با اینکه جنبش‌های ما مشروطه‌خواهی و اصلاح‌طلبانه افغانستان از اواخر قرن نوزدهم و به‌ویژه اوایل قرن بیستم در جهت قانونی و مشروع‌کردن اقتدار مبارزات فراوان کرده و قربانی‌های بی‌شمار داده‌اند، اما واقعیت این است که این تلاش‌ها بازتاب خواست‌های جنبش‌های شهروندی، آن‌گونه که در کشورهای توسعه‌یافته تبارز کردند، نبوده است. به همین دلیل بوده که جنبش‌های نوگرا در افغانستان، در تقابل با سنت‌زدگی‌های ساختارذیلی شکست‌هایی را نیز تجربه کرده‌اند. همچنان طبقات اجتماعی که باید به عنوان عامل تحقق دولت قانون‌مدار و برخاسته از برنامه‌های شهروندی چنین دولتی را ایجاد می‌کردند، در افغانستان اوایل قرن بیستم متنازب نبودند. چنین ضعف ساختاری هنوز هم در افغانستان در قلمروهای اجتماعی و سیاسی قابل رویت است. هنوز هم به جای اینکه صف‌بندی‌ها مبتنی بر خواست‌های مشترک طبقات هم‌هویت سیاسی یا گروه‌های سیاسی- اجتماعی دارای برنامه مشترک باشد، بیشتر از هویت‌های تباری ناشی می‌شود. به سخن دیگر فردیت و آگاهی فردی بر خاسته از «قرارداد اجتماعی» در کشور ما هنوز هم بازتاب مناسبی ندارد.

به همین دلیل هم نخستین ویکردهایی که موجب مدون‌سازی حقوق اساسی شهروندان ما در قوانین اساسی کشور ما شدند، بیشتر از دلبستگی حکمرایان متمایل به تجدد غربی و در قدم اول تجدد تکنیکی ناشی می‌شدند. حکمرمایان افغانستان و حتی تجددطلبان نخستین، از مبانی فلسفی حقوق اساسی شهروندان آگاهی چندانی نداشتند. افزون بر آن، نهاد‌های اجتماعی که به منابع مجری و حامی این ارزش‌ها عمل کنند نیز وجود نداشتند. از این‌رو استبداد مداوم تا اوایل سده بیست‌ویکم به درج‌ات گوناگون ادامه یافته است و اینک با آمدن طالبان می‌توان از خودکدامگی، آنها سخن به میان آورد، وضعیتی که ما را وامی‌دارد بر بازگشت و بهسازی قانون اساسی تأکید کنیم. در حقیقت افغانستان از آغاز تا حالا

۱۰ قانون اساسی را تجربه کرده است. جا دارد از همین تریبون جریان روشنفکری مشروطه‌خواه را استیاض کنم که از همان آغاز برای آوردن قانون اساسی و محدودیت‌های قانونی قدرت شاه و بیرون‌شدن افغانستان از عقب‌ماندگی سیاسی به خرج داده‌اند. با وجود اینکه کمی‌ها و کاستی‌هایی نیز در کار آنها وجود داشته، توأم با خوف و رجا بوده و هرگز مانند حالا نایم‌دکننده نبوده است. با کمال تأسف از سال ۱۴۰۰ هجری خورشیدی که طالبان در زیر سایه سازش دوحه قدرت را تحویل گرفته‌اند، افغانستان عملا فاقد قانون اساسی است و هیچ‌گونه امید مثبت برای سرنوشت قانون اساسی با موجودیت طالبان در کشور به چشم نمی‌خورد. به همین جهت است که در برابر آن «قاومت» می‌کنیم و تا تغییرات اساسی در محور نظام مشروع منتخب مردم، در عین حال دارای قانون اساسی فراگیر معطوف به عدالت و توسعه و تثبیت حقوق شهروندی دست از تلاش و پیکار برنمی‌داریم. دکتر عباس ملکی دیپلمات پیشین کشورمان که مدیر پیل این نشست هم بود تأکید کرد: برای داشتن قانون اساسی نیاز است توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. او گفت: چارچوب توسعه در زوایای مختلف باید در نظر گرفته شود. همچنین سیاست خارجی جزء ارکان مهمی است که زمینه‌ساز در تدوین قانون اساسی است. میرویس بلخی وزیر سابق معارف افغانستان هم دیگر سخنران این نشست علمی بود که در ابتدای سخنان خود گفت: ما در افغانستان با حافظه کوتاه تاریخی، تجربیات گوناگون و توقعات فراوان روبه‌رو هستیم. او ادامه داد: قانون اساسی، سند ملی افغانستان است و به نوعی توافق زنده‌ها با خود، با مردگان و آیندگان است. ما در افغانستان با قانون اساسی زدگی روبه‌رو هستیم. در ادامه این وزیر پیشین افغانستان گفت: نقشه راه برای داشتن قانون اساسی، توجه به عنصر سیاست خارجی است. بلخی تأکید کرد: برعکس دیگر نقاط دنیا، در افغانستان، سیاست داخلی در ادامه سیاست خارجی قرار دارد. بنابراین با سیاست خارجی تشریفاتی و درمانده نمی‌توان کاری از پیش برد. محسن خلیلی پژوهشگر حقوق اساسی نیز در ادامه این نشست به دو نکته اشاره کرد و گفت: در افغانستان با یک عین مواجهیم که همان بخش علنی است؛ یعنی خشونت و منازعات مکرر که بخش علنی تاریخی و فرهنگی این کشور است و نکته دوم یک عین داریم که غایب‌بودن زور، مافهم و سازره و نهاد به‌ویژه در افغانستان است. بنابراین نمی‌شود برای این فرهنگ به‌صورت دفعی قانون اساسی نوشت. اما انال فصیحی استاد دانشگاه و مشاور فرهنگی پیشین دولت افغانستان نیز دیگر سخنران این نشست بود که با تأکید بر اینکه قانون اساسی یک روح مطلق است، گفت: قانون اساسی افغانستان در آینده باید یک مدل وحدت در عین کثرت باشد. او همچنین در ادامه بیان کرد: آینده اداره افغانستان نیازمند نظام فدرالیسم است. سهیلا عرفانی رئیس پیشین دانشگاه زور والیسم هرات و دیگر سخنران این نشست علمی با اشاره به فرایند لغو و تعدیل هفت قانون اساسی در تاریخ این کشور گفت: قانون اساسی هرچه زیبا و خوب باشد کارایی ندارد، مگر اینکه ضمانت اجرای قوی و درست و اجرائی داشته باشد. حسام‌الدین طالقانی، دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه تهران و دیگر سخنران این نشست نیز بر بدوی‌بودن قانون اساسی در افغانستان اشاره کرد و گفت: تمام قانون‌های اساسی افغانستان در بستر فرهنگ شکل نگرفته‌اند همان‌گونه که حتی در قانون اساسی ۱۳۸۲ هم شاهد بودیم، نظام اقتصادی بدون توجه به شرایط و بهرات‌های تجاری و مالی افغانستان تنظیم شد و در نهایت همه اذعان داشتند سیستم بازار آزاد مناسب افغانستان نبوده است. نظیف شهرانی اسناد انسان‌شناسی دانشگاه ایندیاناوی آمریکا و آخرین سخنران این نشست گفت: تدوین‌کنندگان قانون اساسی در افغانستان خود اولین نقش‌کنندگان آن بودند. افراد

در قانون اساسی‌های ما «وعیت» انگاشته شده‌اند و خبری از شهروند نیست. در این شرایط قانون اساسی مبتنی بر حزب، قوم‌گرایی و فردمجوری شکل گرفته و نتوانسته پاسخ‌گوئی نیازها باشد. او افزود: در هر هفت قانون اساسی شاهد استفاده ابرازی از دین هستیم و هرگز مردم برای تصمیم‌گیری سیاسی جدی گرفته نشده‌اند. اگر قرار به تنظیم قانون اساسی جدیدی است، نیازمند مردم‌محورشدن و توجه به نیازهای جامعه امروز افغانستان هستیم.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: با پایان یافتن انتخابات مجلس دوازدهم،

گمانه‌زنی‌ها درباره آرایش سیاسی مجلس پیش‌رو و ترکیب هیئت‌رئیس آن، بخشی از تحلیل این روزهای فضای سیاسی و رسانه‌ای را به خود اختصاص داده است. در کنار نگرانی از برخی تئوری‌ها و واسطه روی کار آمدن چهره‌های رادیکال، موضوع مهم‌تر به چالش مشارکت در انتخابات یازدهم اسفند بازمی‌گردد که جای سؤالات بسیاری دارد. بنابراین در گفت‌وگویی با جلال میرزایی، نماینده ادوار و رئیس کمیته سیاسی فراکسیون امید در مجلس دهم، به ارزیابی فضای پس از انتخابات پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانیم.

♦ **کیفیت برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم، مسئله میزان مشارکت، آرای باطله و همچنین آرایش سیاسی و ترکیب هیئت‌رئیس مجلس آینده، محور بحث‌های فراوان و داغی را در این روزهای پس از ۱۱ اسفند به خود اختصاص داده است. برای سؤال اول از حضرت‌عالی باید پرسید میزان مشارکت حدود ۴۱ درصدی و اعلام پنج درصد آرای باطله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

موضوع مقبولیت و مشروعیت همواره در سال‌های اخیر محل بحث بوده است. اساسا نمی‌توان مسئله مشارکت ۴۱درصدی را پیش کشید؛ چون اگر به انتخابات مجلس یازدهم در اسفند ۹۸ و همچنین انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ۱۴۰۰ برگردیم، مجموع آرای باطله و مأخوذه، مشارکت بالای ۴۰ درصد را رقم می‌زد که...

♦ **جناب میرزایی فراموش نکنیم انتخابات مجلس یازدهم در اسفند ۹۸ با مشارکت ۴۲.۵۷، رقم خورده که هرچند وزارت کشور دولت روحانی از دادن آمار دقیق آرای باطله سر باز زد، اما به تفکیک مناطق در برخی از حوزه‌ها ما شاهد آرای باطله ۴۱درصدی بودیم که...**

بگذارید انتخابات ۱۴۰۰ را ملاک تحلیل داشته باشیم...

♦ **اتفاقا اگر ملاک انتخابات ۱۴۰۰ باشد که میزان مشارکت ۴۸.۸ درصد بود و...!**

نکته همین‌جاست که اگر متوسط آرای باطله را چیزی بین شش تا هفت درصد در نظر بگیریم، باز میزان مشارکت بالای ۴۰ درصد بود. اکنون وقتی وزارت کشور اعلام می‌کند آرای باطله انتخابات ۱۴۰۲ رقمی در حدود پنج درصد است، یعنی در حقیقت میزان مشارکت واقعی ۳۶ درصد بوده است. به نظر من باید از هم‌اکنون برای انتخابات ۱۴۰۴ یک ریل‌گذاری درست در جهت توقف روند نزولی مشارکت شکل بگیرد، وگرنه با این مسیری که طی شد، یقینا انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم مشارکتی بالاتر از ۳۰ درصد پیدا نخواهد کرد.

♦ **شما جزء کسانی بوده‌اید که رنگ و بوی ادبیات پبانیه و روزه‌نگشایی را داشته‌اید و همواره مشارکت سیاسی و کنش‌ورزی از طریق انتخابات و صندوق رای را دنبال کرده‌اید؛ اما نتیجه، مجلس دوازدهمی است که به‌مراتب رادیکال‌تر از مجلس یازدهم نشان می‌دهد...!**

اتفاقا به نظر من چون کنش‌ورزی به‌شدت تحت‌الشعاع پارامترها و عوامل مختلفی قرار گرفت، نتیجه آن مجلس دوازدهم است. از مجلس رادیکال دوازدهم گفتید که از مجلس یازدهم تندتر نشان می‌دهد، بگذارید این‌گونه جوابتان را بدهم که به نظر من علی‌رغم برخی هشدارها و نگرانی‌ها، اتفاق خاصی هم در مجلس دوازدهم نمی‌افتد.

چرا؟

چون ققمتان غالبی که تصمیم‌ساز و جریان‌ساز است و بیرون از مجلس عمل می‌کند و خطوط ترسیمی را برای نمایندگان تعیین می‌کند و بیشتر با اکثر قریب به اتفاق طیف اصولگرا هم از آن تبعیت می‌کند، فعلا بنایی برای حساس‌کردن جامعه ندارد. با توجه به کاهش مشارکت و به قول شما تحت‌الشعاع قرارگرفتن پرنرگتر در موضوع مقبولیت و مشروعیت، فعلا تانسیل و ظرفیت برای رادیکالیزه‌کردن وجود ندارد.

♦ **اتفاقا برعکس شما بیم آن می‌رود که بسا ورود چهره‌های رادیکال‌تر و به‌اصطلاح حضور پاچوش‌ها و در نهایت پسررفت کشتگری سیاسی و سیاست‌ورزی با این ترکیب مجلس دوازدهم، این نگرانی وجود داشته باشد که فضا بیش از قبل به سمت رادیکالیزه‌شدن با هدف دوقطبی‌سازی در جامعه سوق پیدا کند؟**

♦ **چه تاقضی؟**

مجلس یازدهم با عملکرد خود در مقولاتی مانند طرح حجاب و عفاف، فیلترینگ و فضای مجازی، اقتصاد، معیشت، بحث شفافیت و موضوعاتی از این دست، عملا تجربیاتی را به دست آورد که می‌تواند مجلس دوازدهم را با این میزان مشارکت دست‌به‌عصا کند. فراموش نکنیم از محمدرضا عارف با یک میلیون و ۶۰۰ هزار رای در مجلس دهم به‌عنوان رای اول تهران به محمدرضا قالیباف در مجلس یازدهم رسیدیم که یک‌میلیون و ۲۶۵ هزار رای به دست آورد و اکنون به حاضران در مجلس دوازدهم نگاه کنید، دقیقا میزان آرا نصف شده است. قطعا با این عقبه مردمی، فعلا فضای برای رادیکالیزه‌کردن وجود ندارد.

♦ **باز هم مخالف. به نظر شما برای امثال رسایی، نبویان و چهره‌هایی که به پاچوش شهره شده‌اند، میزان عقبه آرای مردمی ملاک عملکرد خواهد بود؟**

این سؤال شما اتفاقا تأیید حرف قبلی من است.

♦ **چگونه؟**
افراد و جریان‌ها در مجلس تأثیرگذار نیستند، بلکه ققمتان سیاسی که بیرون از مجلس برای اصولگرایان تصمیم‌گیری می‌کند، ریل‌گذاری مجلس دوازدهم را خواهد داشت. با در نظر داشتن این نکته، به نظر من با توجه به شرایط کنونی در منطقه و جهان و همچنین کاهش مشارکت که به نظر من نه ۴۱ درصد بلکه با کسر آرای باطله، ۳۶ درصد است، این نگرانی برای ققمتان سیاسی بیرون از مجلس به وجود آمده که رادیکالیزه‌کردن و دوقطبی‌سازی جامعه نتیجه‌ای در بر ندارد؛ کم‌اینکه در چهار سال گذشته مجلس با رادیکالیزه‌کردن نتوانسته است نتیجه‌ای به دنبال داشته باشد. جناب فتح‌اللهی، فضا به اندازه کافی ملتهب است؛ شما نگاه کنید به وضعیت منطقه بر اثر جنگ اوکراین و جنگ حماس و اسرائیل و از طرف دیگر اوج‌گیری قیمت طلا، سکه و ارز پس از انتخابات مجلس دوازدهم را هم ببینید. از هم‌اکنون به شما بگویم که قطعا ما یک شیب افزایش قیمت برای سال ۱۴۰۳ خواهیم داشت. به همین تنها نگرانی‌ها برای دو و حتی سه برابر

بررسی آرایش سیاسی و ترکیب مجلس دوازدهم در گفت‌وگو با جلال میرزایی

مجلس دوازدهم نمی‌تواند فضا را رادیکال کند



♦ **به جد مخالف تحلیل شما هستیم. به‌هرحال خوشمان بیاید یا نباید، نبویان رای اول تهران است و به نظر من به این سادگی‌ها کوتاه نخواهد آمد.**

مسئله رای اول تهران نیست، همان‌طور که گفت‌م مجدداً تکرار می‌کنم، مسئله اصلی، ققمتان سیاسی بیرون از مجلس است. نبویان حمایت بیرون از مجلس را برای ریاست کرسی قوه مقننه ندارد. کم‌اینکه رسایی هم این حمایت را ندارد.

♦ **اگر قائل به این هستید که رای اول تهران شانشی برای ریاست مجلس ندارد، شما چه گزینه‌هایی برای ریاست قوه مقننه در دوره دوازدهم‌متصورید؟**

به نظر من کماکان محمداًباقر قالیباف شانس دارد و در کنارش مجتبی ذوالنوری، آقاهترانی و حاجی‌بابایی شانس ریاست مجلس دوازدهم را دارند. اجازه دهید‌ی روی تک‌تک آنها تحلیل کنیم.

♦ **جناب میرزایی با توجه به آنکه رای قالیباف به یک‌سوم سقوط پیدا کرده و حواشی بسیاری هم درباره خانواده‌اش وجود دارد، تصور نمی‌کنید ریاست مجدداً او بر مجلس دوازدهم بدون هزینه نخواهد بود؟**

بدون هزینه بودن یک مسئله است و نداشتن گزینه مسئله دیگری، به‌هرحال قالیباف چهره ذی‌نفوذی در ققمتان اصولگرایی نزدیک به ققمتان اصولگرایی بیرون از مجلس است و کماکان از حمایت جدی آنها برخوردار است. به همین دلیل من هم با شما موافقم که ریاست مجدداً قالیباف بر مجلس با توجه به حواشی اخیرش می‌تواند هزینه‌ها، تبعات و انتقادات جدی داشته باشد، اما باز گزینه مطلوب‌تری است؛ چون با وجود آنکه خودم از آقاهترانی نام بردم اما حتی اگر بپذیریم کسی مانند آقا تهرانی به‌عنوان رئیس شورای سیاست‌گذاری جبهه پایداری گزینه تازنباتو باشد، ریاست او بر مجلس دوازدهم پالس خوبی به جامعه نمی‌دهد و تبعات به‌شدت بدتری از ریاست مجدداً قالیباف بر مجلس دارد. شما تأثیر روی کار آمدن طیف تندرو در مجلس دوازدهم را روی قیمت ارز، سکه و طلا ببینید که چه پالس مخربی را به جامعه داده است. حالا تصور کنید گزینه‌ای مانند آقاهترانی رئیس مجلس شود، پالس آن مخرب‌تر است؛ چون حکایت از آن دارد که سیستم به سمت رادیکالیسم رفته است، اما وضعیت موجود چه در داخل، چه در منطقه و چه در جهان اجازه رادیکالیزه‌شدن ساختار را نمی‌دهد. پس به نظر من فعلا به مصلحت نیست که آقاهترانی گزینه ریاست مجلس باشد.

♦ **به مصلحت نیست یک موضوع است و روندی که طی شده موضوع دیگری است. به مصلحت بود نبویان رای یک تهران باشد؟ همه چیز را با هم خلط نکنید. روند انتخابات داستان دیگری دارد.**
♦ **اینجا با شما مخالفم و در مقابل شما می‌ایستم که موضوع به مصلحت بودن یا نبودن مطرح نیست.**
اتفاقا هست. خواهیم دید که برای انتخابات ریاست مجلس دوازدهم چه روندی طی خواهد شد. اما به گونه‌های خودم بگردم. آقای ذوالنوری هم به‌عنوان رای اول قم که سابقه نایب‌رئیس مجلس و همچنین ریاست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس را دارد، اندک شانس را خواهد داشت. یعنی به نسبت کسانی مانند نبویان، رسایی و آقاهترانی شانس بیشتری دارد. اما چون ذوالنوری هم مانند آقاهترانی، نبویان و رسایی یک فرد روحانی است و اینکه رؤسای سه قوه همگی روحانی باشند، چهره خوبی نمی‌دهد، به باور من ذوالنوری را هم از گزینه ریاست مجلس دوازدهم دور می‌کند.

♦ **حاجی‌بابایی که خودتان از آن نام بردید چطور؟**

حاجی‌بابایی چون چند دوره رای اول همدان بوده است، سابقه وزارت دارد و همچنین رئیس کمیسیون کلیدی بودجه مجلس هم بوده و از طرف دیگر نسبت به طیف‌های رادیکال‌تر اصولگرایان موضع‌گیری و نگاه سیاسی معتدل‌تری دارد، شانس این را خواهد داشت که یک ائتلاف درون مجلس برای حمایت از خود داشته باشد. ضمن آنکه در قیاس با قالیباف، ریاست حاجی بابایی بر مجلس دوازدهم با حواشی، تبعات و انتقادات کم‌تری همراه خواهد بود. اما موضوع این‌جاست که آیا ققمتان سیاسی اصولگرایی بیرون از مجلس می‌تواند روی حاجی‌بابایی سرمایه‌گذاری کند؟ اصلا ریسک این سرمایه‌گذاری را می‌پذیرد؟ این‌جاست که باید حاجی‌بابایی را در یک کفه بگذاریم و قالیباف را در کفه دیگر که به نظر من باز هم قالیباف سستگین‌تر است. البته باید در نظر گرفت که وزن کشی، ائتلاف‌سازی و جریان‌سازی درون مجلس دوازدهم هم می‌تواند تأثیرگذار باشد. باید دید اختلافات بین طیف پایداری و امنا و قالیبایی‌ها به کجا خواهد رسید. آیا مثلاً قالیباف حاضر است در کنار تمام تبعات و حواشی خود، هزینه مضاعفی هم برای ائتلاف با مستقلین و حتی اصلاح‌طلبان در جهت بازگشت به ریاست مجلس دوازدهم داشته باشد یا خیر؟ و در مقابل باید دید تندروها چه رفتاری خواهند داشت؟ شاید در نهایت در پشت پرده ققمتان اصولگرایی رضایتی صورت بگیرد که چهره‌های رادیکال برخی از کمیسیون‌های کلیدی را در اختیار بگیرند و دوباره ریاست مجلس به قالیباف برسد. البته احتمالات دیگری هم وجود دارد که باید با نزدیک‌تر شدن به آغاز مجلس دوازدهم درباره آن سخن گفت. فعلا هر سناریویی احتمال وقوع دارد.

شدن قیمت بنزین و حامل‌های انرژی را که می‌تواند التهابات خود را در جامعه داشته باشد و سناریوهای تلخی مانند آبان ۱۳۹۸ را تکرار کند نیز اضافه کنید. از طرف دیگر ما در سال آینده شمسی به انتخابات ریاست‌جمهوری ایران نزدیک خواهیم شد؛ آن‌هم دولت رئیسی که بنا دارد دور دوم نیز در دستور بماند. پس می‌بینید که با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از این عوامل، مجلس دوازدهم حتی اگر بخواند هم نمی‌تواند فضا را رادیکال کند؛ چون به تبعات آن واقف است. از طرف دیگر، همان ققمتان سیاسی بیرون از مجلس نیز به طریق اولی به تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی اشرف دارد. فراموش نکنیم انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و روی کار آمدن احتمالی قریب‌الوقوع دونالد ترامپ نیز از هم‌اکنون موتور نگرانی اقتصادی ایران را روشن کرده است، چه برسد به آنکه ترامپ بخواند دوباره قدرت را در کاخ سفید در دست بگیرد.

♦ **از کلی‌گویی بگذرید؛ چند بار از ققمتان سیاسی بیرون از مجلس حرف زدید که طیف‌های اصولگرایی راه‌یافته به مجلس دوازدهم از آن تبعیت می‌کنند؛ حدود و ثغور، جزئیات و مشخصات این ققمتان سیاسی بیرون مجلس را تبیین کنید. منظور آن از ققمتان سیاسی بیرون از مجلس چیست که ریل‌گذار قوه مقننه و نمایندگان است؟ به نکته‌ای کلیدی اشاره کردید. من هم پیرو شما معتقدم در یک نگاه تطبیقی و مقایسه‌ای، طیف رادیکال‌تر اصولگرایان توانسته است نمایندگان بیشتری را نسبت به مجلس دوازدهم در قیاس با مجلس فعلی بفرستد و اتفاقاً طیف رادیکال در مجلس آتی قدرت بیشتری خواهد گرفت. در مجلس یازدهم، ققمتان سیاسی غالب جریان اصولگرایی، یک اصولگرایی نزدیک به حاکمیت بود که نمایندگی بیرون از مجلس را آقای حدادعادل داشت و در درون مجلس نیز مدیریت آن با شخص محمداًباقر قالیباف بود...**

♦ **اکنون که حدادعادل هم سیبل تندروها شده است...**

اجازه بدهید؛ بله اکنون طیف رادیکال‌تر اصولگرایان وزنه سستگین‌تری در مجلس دوازدهم دارند. اما به نظر من با وجود دعوی‌ای که با حدادعادل حول موضوع چنار و پاچوش‌ها مطرح شده، کماکان ققمتان اصولگرایی غالب همان ققمتان اصولگرایی نزدیک به سیستم است که می‌تواند ریل‌گذار و تصمیم‌ساز مجلس دوازدهم باشد. به همین دلیل است که دوباره تکرار می‌کنم از برخی تندرو‌ها جلوگیری خواهد شد و به همین خاطر من نگرانی بابت رادیکالیزه‌کردن فضا توسط سیستم آتی ندارم. از طرف دیگر ایین نکته کلیدی را هم در نظر بگیرید که بله تعداد نماینده‌های طیف رادیکال وابسته به امنا، شریان و پایداری در مجلس دوازدهم بیشتر شده است، اما این به معنای اکثریت تصمیم‌ساز نیست؛ چون طیف‌های اصولگرایی نزدیک به حدادعادل و قالیباف و همچنین برخی از نمایندگان مستقلین، معتدلیان و اصلاح‌طلبان هم وجود دارند که وزن خود را خواهند داشت.

♦ **رویارویی درون مجلس آینده را چگونه می‌بینید؟ این را که دیگر قبول دارید مواجهه قدرت بی‌سابقه‌ای در راه است؟ نزاع درون اصولگرایی برای بازگشت با عدم بازگشت قالیباف به ریاست مجلس مثل مجلس یازدهم نخواهد بود. به قول خودتان قالیباف از یک‌میلیون و ۲۶۵ هزار رای مجلس یازدهم به ۴۴۷ هزار رای در انتخابات مجلس دوازدهم رسیده است. در نظر بگیریم که نبویان هم به‌عنوان رای اول تهران از ۸۲۱ هزار رای انتخابات اسفند ۹۸ به ۵۸۷ هزار در انتخابات مجلس دوازدهم تنزل یافت، هرچند به‌هرحال قالیباف اکنون چهارم است و نبویان و رسایی رای اول و سوم را دارند.**

اولا این‌طور نیست که فکر کنیم روی کار آمدن نبویان، رسایی و نیروهایی که جدیداً به‌عنوان پاچوش شناخته می‌شوند، فضا را تند می‌کند. تکرار می‌کنم قطعا ترمز این افراد هم در بیرون از مجلس کشیده خواهد شد؛ چون فضا اجازه نمی‌دهد. بله، کارایی مجلس با چالش مواجهه شده اما به انبدال سیاسی کشیده شده است که طیفی مانند امنا بخواهد ریل‌گذاری برای مجلس دوازدهم داشته باشد. اما در پاسخ به سؤالاتن به همان اندازه من هم معتقدم مجلس در درون خود برای کسب سهم بیشتری از یک یک قدرت، هم برای دراختیارگرفتن کرسی ریاست مجلس و هم کرسی ریاست برخی از کمیسیون‌های کلیدی یک رفتار تند و بی‌سابقه سیاسی را تجربه خواهد کرد؛ یعنی اینجا چهره‌های رادیکال شمشی‌ر را برای طیف قالیباف از رو خواهند بست. کم‌اینکه قبل از انتخابات هم بخشی از موج‌سواری سیاسی و رسانه‌ای علیه قالیباف و جریان او توسط پایداری‌ها، شانا و امنا در دستور کار قرار گرفت. اما باید یک نکته را در نظر گرفت که حتی اگر افرادی مانند نبویان و رسایی که رای‌های بالاتری از قالیباف هم دارند، به نظر من احتمال و شانس کم‌تری برای ریاست مجلس دوازدهم خواهند داشت.

♦ **به چه دلیل؟**

چون نبویان و رسایی توان لازم مدیریت مجلس را ندارند و نهایتاً در حد رؤسای کمیسیون خواهند بود. البته گفته‌ام به معنای آن نیست که پایداری‌ها، شریان و امنا دیگر دعوا و تلاشی برای کسب ریاست مجلس دوازدهم و دادن بدون دردسر این کرسی به دیگری مانند قالیباف نداشته باشند. قطعا با ایین میزان از نمایندگانی که در مجلس دوازدهم دارند، به دنبال ائتلاف‌سازی و جریان‌سازی در جهت ریاست مجلس خواهند بود. اما در نهایت من تصور نمی‌کنم کرسی ریاست مجلس به افرادی مانند نبویان و رسایی برسد.

گزارش

گزارشی از همایش سالانه انجمن علوم سیاسی

از حکمرانی مطلوب

تادنیای تک‌قطبی

شرق: هفدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی با عنوان آینده نظامی جهانی سیاست‌ها و الگوی رفتار ایرانی برگزار شد.

دنیا به سمت تک‌قطبی نخواهد رفت

محمدجواد ظریف در هفدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران گفت: حمله روسیه به



اوکراین، تله‌ای بود که غرب برای روسیه گذاشت. اروپا هم نظم و هم حقیقت را در غرب می‌بیند و دنیا به سمت تک‌قطبی توهم نظم تک‌قطبی را داشتیم و آمریکا فکر می‌کرد جنگ جهانی را برنده شده است. با پایان نظم دوقطبی جهان سیال شد و کنشگران جدیدی هم وارد شدند.

اگر تکرر را از آن کشور بگیرد تبدیل به دهکده می‌شود

علی لاریجانی هم در هفدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران گفت: تکرر آرا در زمینه



سیاست زیاد است و اتفاقاً خوب هم هست. اگر این خصوصیت را از کشور بگیرید، تبدیل به دهکده می‌شود. تکرر آرا باعث پیشرفت می‌شود. ما آن‌قدر مشکلات در کشور داریم که خیلی تفاوت زیادی ندارد که جهان را چندقطبی ببینیم. جایگاه آمریکا از نظر تعیین‌کنندگی نظم جهانی در حال افول است اما همچنان نقش تخریب‌کنندگی دارد.

ما در حوزه سیاسی موفق بودیم اما در حوزه اقتصادی موفق نبودیم

متکی، وزیر امور خارجه پیشین کشورمان هم در هفدهمین همایش سالانه انجمن علوم



سیاسی ایران گفت: وزرای خارجه قطر و برخی شیخ‌نشین‌ها به ما می‌گفتند نمی‌توانیم پول‌هایی را که در آمریکا داریم برداشت کنیم. انقلاب تکاملی انقلابی است که در همه حوزه‌ها انقلاب ایجاد کند. ما در حوزه سیاسی موفق بودیم اما در حوزه اقتصادی موفق نبودیم. در انقلاب آموزشی باید بتوانیم دانش‌آموختگانی در تراز جمهوری اسلامی داشته باشیم.

بالشکر گرسنگان مواجه هستیم

رضا صالحی‌امیری، وزیر اسبق ارشاد در هفدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران گفت: ما



قدرت اجتماعی را از دست دادیم و شکاف‌های اجتماعی در جامعه عمیق شد و الان در مرز گسل هستیم. ما باید پدیده‌ای به نام گسترش روزافزون لشکر گرسنگان مواجه هستیم. یکی از موانع جدی ما فقدان نظام اجتماعی کارآمد است. آیا می‌توانیم با جوانان و زنان در کف خیابان صحبت کنیم؟ با پدیده چای دیش شش درصد اعتماد عمومی کاهش پیدا می‌کند. او همچنین در ادامه گفت: باید رفتار حاکمیت پیش‌بینی‌پذیر باشد. باید رفاه با کرامت را برای جامعه فراهم کرد و نمی‌توانید به جامعه بگویید در ریاضت زندگی کند چون ۵۰ سال دیگر می‌خواهید به پیشرفت برسید.

عده‌ای می‌گویند مشارکت بالا در انتخابات «امنیت» را بر هم می‌زند!

علی ربیعی وزیر اسبق کار هم گفت: در علوم انسانی تولید علم به خارج از



امروز بحث امنیت بسیار روی سایر ساحت‌ها سایه می‌اندازد. او در ادامه افزود: امنیت یک مفهوم نسبی، ذهنی و فراخ است و هر چیزی را می‌توانید ذیل آن تعریف کنید. یک تعداد می‌گویند مشارکت بالا در انتخابات امنیت را بر هم می‌زند و بنابراین باید دنبال مشارکت حداقلی بود؛ تعدادی دیگر می‌گویند ممکن است در کوتاهمدت امنیت بسازود اما در بلندمدت شالوده امنیت را بر هم می‌زند.